

## مقاله پژوهشی

## مطالعه تطبیقی اقدامات و تجارب دیپلماسی ورزشی در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منتخب

امین‌رضا بخشی‌چناری<sup>۱</sup>، شیرین زردشتیان<sup>۲\*</sup>، حسین محمدی‌جامع<sup>۳</sup>

۱. دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۳. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۷/۱۳)

تاریخ ارسال: (۱۳۹۸/۰۶/۲۳)

## A Comparative Study of Sports Diplomacy Practices and Experiences in Islamic Republic of Iran and Selected Countries

Amin Reza Bakhshi Chenari<sup>1</sup>, Shirin Zardoshtian<sup>2\*</sup>, Hossein Mohammadi Jame<sup>3</sup>

1. Ph.D. of Sports Management, University of Tehran

2. Assistant Professor of Sport Management, University of Razi, Kermanshah

3. Ph.D. Student Sports Management, Islamic Azad University of Kermanshah Branch

Received: (2019/09/14)

Accepted: (2019/10/05)

## Abstract

The purpose of this study was to review the experiences of sports diplomacy in selected countries and compare them with Islamic Republic of Iran. The method of this study is descriptive-analytical which according to the type of study, George Berdy comparative study method was used. Countries surveyed in the comparative research section include USA, Germany, France, Japan, United Kingdom and Islamic Republic of Iran. The reason for selecting the countries mentioned is their successful activities and proper organization as the leading countries in the field of sports diplomacy. Information from these countries was gathered through searches of websites, scientific articles, and research inside and outside of Iran, related books, documents, and evidences. It was also collected through interview with diplomats, professors, experts and stakeholders in the field of sports diplomacy in Iran. The statistical population of the study consisted of senior political-sport managers of the country who had managerial and executive records in the field of sport and politics. The statistical sample consisted of 12 elites who were selected by available sampling and snowball method. The result showed that in the leading countries in the field of sports diplomacy, many activities were carried out at macro level, which were classified into three categories of active sports diplomacy institutions, sports diplomacy priorities and measures taken to enhance this diplomacy. The situation of Iran sports diplomacy indicates that there is no proper planning and policy making with the approach of sports diplomacy in the country. Therefore, it could be declared that since the determination of each country's foreign policy is influenced by many variables, the Islamic Republic can use sports diplomacy as a facilitating tool for foreign policy implementation by modeling successful countries.

**Keywords:** Sport Diplomacy, Comparative Comparison, Selected Countries

## چکیده

هدف از انجام این تحقیق بررسی تطبیقی تجارب دیپلماسی ورزشی کشورهای منتخب و مقایسه آن با جمهوری اسلامی ایران بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با توجه به ماهیت و نوع مطالعه که بررسی تطبیقی است از روش مطالعه تطبیقی جرج بردی استفاده شد. کشورهای بررسی شده در بخش تطبیقی پژوهش شامل آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن، انگلستان و جمهوری اسلامی ایران است. علت انتخاب کشورهای مذکور فعالیت‌های موفق و سازماندهی مناسب آن‌ها به عنوان کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی ورزشی بوده است. اطلاعات مورد نظر این کشورها از طریق جستجو در وبسایت‌ها، مقالات علمی، تحقیقات داخلی و خارجی، کتب مرتبط، اسناد، شواهد و مدارک جمع‌آوری گردید. همچنین برای بررسی وضعیت کنونی دیپلماسی ورزشی در ایران نیز از طریق مصاحبه با اساتید، نخبگان و صاحب‌نظران در حیطه دیپلماسی جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش، مدیران عالی‌رتبه سیاسی-ورزشی کشور بودند که در عرصه ورزش و سیاست سوابق مدیریتی و اجرایی داشتند. نمونه آماری ۱۲ نفر از نخبگان بودند که به صورت نمونه‌گیری در دسترس و به شیوه گلوله‌برفی انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که در کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی ورزشی، در سطح کلان فعالیت‌های بسیاری انجام گرفته است که این فعالیت‌ها در سه دسته نهادهای فعال دیپلماسی ورزشی، اولویت‌های دیپلماسی ورزشی و اقدامات انجام شده برای تقویت این دیپلماسی طبقه‌بندی شدند. بررسی وضعیت دیپلماسی ورزشی ایران نشان‌دهنده عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری لازم با رویکرد دیپلماسی ورزشی در کشور بود. لذا می‌توان گفت از آنجا که تعیین خط‌مشی سیاست خارجی هر کشور از متغیرهای متعددی تأثیر می‌پذیرد، جمهوری اسلامی می‌تواند با الگوبرداری از کشورهای موفق از دیپلماسی ورزشی به مانند ابزاری تسهیل‌کننده برای اجرای سیاست خارجی استفاده کند.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی ورزشی، مقایسه تطبیقی، کشورهای منتخب

\*Corresponding Author: Shirin Zardoshtian

E-mail: zardoshtian2014@gmail.com

\* نویسنده مسئول: شیرین زردشتیان

پست الکترونیک: zardoshtian2014@gmail.com

## مقدمه

دیپلماسی در طول تاریخ همراه با دگرگونی‌های بین‌المللی و تحول سیاست داخلی کشورها دچار تحولات عمده‌ای شده و اشکال متنوعی به خود گرفته است. در عصر وابستگی‌های متقابل جهانی و تغییر قدرت از سخت‌افزارانه به قدرت نرم‌افزارانه، اشکال نوینی از دیپلماسی پدیده آمده است که به جای اتکا به ابزارهای قدرت سخت، از ابزارهای قدرت نرم استفاده می‌کند (نای<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). دیپلماسی فرهنگی و سایر مؤلفه‌های آن به دلیل گستردگی و پیشرفت در همه حوزه‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های اثرگذار در مناسبات سیاسی دولت‌ها از چنین ابزارهایی است که به تازگی توجه سیاستمداران کشورهای مختلف را به خود معطوف کرده است (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۴). کارشناسان مسائل بین‌الملل دنیای امروز بر این عقیده‌اند که امروزه تمامی کشورها به ناچار با قدرت نرم و به‌کارگیری روش‌هایی که ذهنیت‌ها و نگرش را تغییر می‌دهد، مواجه‌اند (لانزاک و بلین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). در این میان تحولات رسانه‌ای جدید و جهانی شدن ساختار نگرهانی، وزارت خارجه را با چالش مواجه کرده است و وزرای خارجه به تنهایی نمی‌توانند در سیاست‌های خارجی یک کشور تصمیم گیرنده باشند؛ سیاست خارجی امروز به تعداد وسیعی از بازیگران بین‌المللی غیردولتی وابسته است (پامنت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). بنابراین در صحنه‌های مختلف تا زمانی که افکار عمومی آماده نشوند، برنامه‌ها تحقق نمی‌یابد و از این‌رو بازیگران اصلی بین‌المللی حجم وسیعی از برنامه‌های خود را در بخش دیپلماسی عمومی و از طریق مراکز علمی، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، شخصیت‌های برجسته فکری، هنرمندان، ورزشکاران و... پیگیری می‌کنند (آهنین‌جان، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزار مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و... استفاده می‌کنند تا از این طریق افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود در نظام بین‌الملل با مشکلات کمتری مواجه شوند (قربانی، ۱۳۹۱). ورزش نمونه‌ای از یک پدیده فرهنگی است که مطالعات مهمی برای جامعه جهانی امروز به شمار می‌رود؛ زیرا از یک سو نقش آن در تحکیم روابط میان کشورها و از سوی دیگر نقش ابزاری این پدیده در جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر موجب شده تا امروزه پژوهشگران از ورزش

به عنوان مؤلفه‌ای جدانشدنی از تمامی ارتباطات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف جهان یاد کنند (فیض‌آبادی و حمیدی، ۲۰۱۳). ورزش کیفیت بی‌مرز دارد و تمامی حکومت‌ها به آن علاقه‌مندند؛ در حالی که آلمان، ایالات متحده و ژاپنی‌ها رهبران این حوزه‌اند، سایر کشورها سعی می‌کنند تا از آنان پیروی کنند. دیپلماسی ورزشی به فهم بهتر بین‌الملل و دوستی‌ها کمک می‌کند و کلیشه‌ها و تعصب را از بین می‌برد. ورزش ابزاری کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (مورای و پیگمن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). در پنجاه سال گذشته نمودی متفاوت از ورزش در جامعه جهانی مطرح شده است. کوفی عنان<sup>۵</sup> و نلسون ماندلا<sup>۶</sup> به نقش ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه سیاست اشاره کرده‌اند؛ آن‌ها از ورزش به عنوان پدیده‌ای که می‌تواند موانع توسعه کشورها مانند جنگ، فقر و بیماری‌ها را از بین ببرد، یاد می‌کنند. دیپلماسی ورزش یک فصل از کتاب راهنمای دیپلماسی مدرن آکسفورد را به خود اختصاص داده است؛ در همایش‌های بین‌المللی انجمن مطالعات بین‌المللی به دیپلماسی ورزش اختصاص داده شده است که نشریه دیپلماسی حاج<sup>۷</sup> ویژه‌نامه‌ای درباره دیپلماسی ورزشی در بهار ۲۰۱۳ به چاپ رسانده است (گریکس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳). در ارتباط با دیپلماسی ورزشی مطالعات متعددی در داخل و خارج کشور انجام شده است. بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که بازنگری آئین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی می‌تواند از مهم‌ترین راهکارهای تقویت این دیپلماسی باشد (بخشی‌چناری و همکاران، ۱۳۹۸). بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی دیگر با عنوان شناسایی عوامل مؤثر توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که وجود یک نهاد منسجم عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی ورزشی ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت امور خارجه به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تعیین هدف در این حوزه، تعاملات آکادمیک،

4 . Murray &amp; Pigman

5 . Kuffi Annan

6 . Nelson Mandella

7 . Hauge

8 . Grix

1 . Nye

2 . Lanzac &amp; Blain

3 . Pamment

دیپلماسی ورزشی به عنوان ابزاری قدرتمند برای پیشبرد اهداف سیاسی و دستیابی به منزلت بین‌المللی استفاده می‌کنند که این واقعیت نشان می‌دهد مسئولین و تصمیم‌گیران سیاسی جمهوری اسلامی ایران باید به این دیپلماسی اهتمام ویژه‌ای داشته باشند؛ چرا که از نظر قدرت سیاسی و به دلیل وجود حکومت مستقل، در محیط استبدادی و استعمارزده منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، بسیار حائز اهمیت است. افزایش رفت و آمد مقامات خارجی به تهران، نشان‌دهنده تغییر رویکرد این کشورها نسبت به ایران است؛ تغییری که خود از تغییر در سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان نشأت می‌گیرد. با آغاز به کار دولت یازدهم، تحرک چشمگیری در حوزه سیاست خارجی کشور و تعامل با کشورهای جهان آغاز شد، تحرکی که می‌توان توافق هسته‌ای وین را نقطه عطف آن دانست. همچنین تمایل کشورهای جهان به تعامل با ایران، نشان‌دهنده درک آنان از تغییری است که در ایران صورت گرفته است؛ تغییری که در آن تعامل و ارتباط سازنده با جهان، یکی از پایه‌های اقتدار کشور محسوب می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۵). در این میان از یک سو با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص، و از سوی دیگر حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پربیننده مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و لیگ جهانی والیبال فرصتی است مغتنم تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، نخبگان ورزش کشور به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی کمک کنند. بنابراین توجه و نگاه عمیق به جایگاه مفهوم دیپلماسی ورزشی در کشور بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا آشنایی با تجربیات موفق اجرای دیپلماسی ورزشی در سایر کشورها نیز حائز اهمیت است. به همین دلیل در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن بررسی سایر پژوهش‌ها و اسناد موجود، تجربیات موفق پیاده‌سازی این دیپلماسی ارزشمند در کشورهای منتخب (آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن و انگلستان) در کنار تجربه جمهوری اسلامی ایران بررسی شود تا بر این اساس، بعد از شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود؛ پیشنهادهای کاربردی و مناسب به سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران و مدیران این عرصه ارائه شود.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است که با توجه به ماهیت و نوع مطالعه که بررسی تطبیقی است در چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه انجام شده است. این روش برگرفته از روش مطالعه تطبیقی جرج بردی است. بر اساس این الگو ابتدا اطلاعات مورد نیاز درباره کشورها از منابع

افزایش فعالیت‌های دانشگاه‌ها و... به توسعه فعالیت‌های دیپلماسی در حوزه ورزش بپردازد (بخشی‌چناری و همکاران، ۱۳۹۸). باقری و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان مدلسازی نرم مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی در هفت سطح قرار دارند که در سطح یک به عنوان سطح زیربنایی و سازنده، توسعه فرهنگی و در آخرین سطح برندینگ و پرستیژ بین‌المللی قرار گرفت (باقری و همکاران، ۱۳۹۵). فولرتون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان تبدیل شدن دیپلماسی ورزشی به خروجی‌های دیپلماتیک؛ با ارائه یک مدل دیپلماسی ورزشی به این نتایج دست یافتند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور (ایالت) باشد خروجی‌های آن می‌تواند هم‌راستای خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر اهداف سیاسی هر کشور باشد (فولرتون و همکاران، ۲۰۱۸). کوبیرسکی<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان دیپلماسی ورزشی در کشور نروژ به این نتیجه دست یافت که یک دیپلماسی ورزشی توانمند می‌تواند نقشی تأثیرگذار و کمکی در برند ملی و معرفی هویت ملی این کشور در جهان داشته باشد (کوبیرسکی، ۲۰۱۷). گریکس و هولیهان<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) نیز رویدادهای بزرگ ورزشی را به عنوان بخشی از استراتژی قدرت نرم؛ مطالعه موردی ۲۰۰۶ آلمان و ۲۰۱۲ بریتانیا، ضمن مقایسه بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن، آلمان‌ها را در استفاده از سیاست از ورزش در قرن بیستم میلادی نقش مهمی داشته‌اند؛ آن‌ها در دو دوره نازیسم و آلمان غربی سوشالیست - کمونیست از این موضوع به خوبی بهره گرفتند (گریکس و هولیهان، ۲۰۱۴). با مطالعه موضوعات مذکور درمی‌یابیم نقش اولیه ورزش در عرصه سیاست بین‌الملل، می‌تواند به عنوان یک فرایند دیپلماتیک عمومی باشد. چنانچه دیپلماسی عمومی را معطوف کردن سایر مردم به جذابیت‌ها و جاذبه‌های عمومی یک کشور بدانیم، ورزش چنین پتانسیلی را داراست. علاقه وافر مردم به ورزش موجب شده که رسانه‌های جمعی به‌طور کاملاً فزاینده‌ای به خدمت ورزش درآیند و صفحات زیادی از مطبوعات و زمان بسیاری از رادیو و تلویزیون را در سراسر جهان به خود اختصاص دهند (رودر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). به‌طور کلی با مرور تحقیقات گذشته می‌توان نتیجه گرفت که همه کشورها از

1. Fullerton et all
2. Kobireski
3. Grix & Houlihan
4. Roeder

جدول ۱- توصیف نمونه‌های پژوهش  
Table 1- Description of the Research Samples

توضیحات	تعداد	سمت صاحب‌نظران
رشته‌های: مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مدیریت استراتژیک	8	اساتید دانشگاه
در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم، سفیر بازنشسته دولت هفتم، و عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس	4	مدیران عالی سیاسی - ورزشی

در توصیف تحلیلی مصاحبه‌شونده‌ها، از مجموع ۸ نفر از اساتید دانشگاه در رشته مدیریت ورزشی، مدیریت استراتژیک، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و... تعداد ۱۲ مصاحبه (برخی از افراد بیش از یک بار مورد مصاحبه قرار گرفتند)، از مجموع ۲ نفر از مدیران سابق وزارت ورزش و جوانان ۲ مصاحبه و در نهایت از مجموع ۲ نفر از سفیران و مدیران سابق وزارت امور خارجه و مجلس شورای اسلامی ۲ مصاحبه، انجام گرفت.

جدول ۲- توصیف مصاحبه‌شوندگان پژوهش

Table 2- Descriptors of the Survey Interviewers

توضیحات	تعداد مصاحبه	تعداد	سمت صاحب‌نظران
رشته مدیریت استراتژیک، مدیریت ورزشی، علوم سیاسی و...	12	8	اساتید دانشگاه‌های ایران
در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم	2	2	مدیران عالی‌رتبه ورزش کشور
سفیر بازنشسته دولت هفتم	1	1	سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران
عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس	1	1	نماینده سابق مجلس

در ادامه با توجه به هدف تحقیق، یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی ورزشی در جدول سه خلاصه گردید. در این راستا با مطالعه تجربه کشورهای منتخب و مصاحبه با نخبگان، فعالیت‌های این کشورها در سه دسته نهادهای فعال دیپلماسی ورزشی، اولویت‌های دیپلماسی ورزشی و اقدامات انجام شده برای تقویت این دیپلماسی طبقه‌بندی شدند.

گردآوری و تفسیر شده، سپس طبقه‌بندی گردیده و در مرحله آخر تفاوت‌ها و تشابهات مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند. کشورهای بررسی شده در بخش تطبیقی پژوهش شامل آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن، انگلستان و جمهوری اسلامی ایران است. علت انتخاب کشورهای مذکور فعالیت‌های موفق و سازماندهی مناسب آن‌ها به عنوان کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی ورزشی بوده است. اطلاعات مورد نظر این کشورها از طریق جستجو در وبسایت‌ها، مقالات علمی، تحقیقات داخلی و خارجی، کتب مرتبط، اسناد، شواهد و مدارک جمع‌آوری گردید. همچنین برای بررسی وضعیت کنونی دیپلماسی ورزشی در ایران نیز از طریق مصاحبه با اساتید، نخبگان و صاحب‌نظران در حیطه دیپلماسی جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش، مدیران عالی‌رتبه سیاسی - ورزشی کشور بودند که در عرصه ورزش و سیاست سوابق مدیریتی و اجرایی داشتند. بنابراین این افراد در دوحیطه سیاست و ورزش آشنایی کامل داشتند. نمونه آماری ۱۲ نفر از نخبگان بودند که به صورت نمونه‌گیری در دسترس و به شیوه گلوله‌برفی انتخاب شدند. در این شیوه هر یک از خبرگان بنا به تجربه و شناخت، متخصص دیگری را در حیطه مورد بررسی معرفی می‌نماید؛ این روش یک روش غیراحتمالاتی است که برای نمونه‌گیری از جامعه‌های آماری به کار می‌رود و اصطلاحاً پنهان هستند و یا محل استقرار مشخصی ندارند. با عنایت به مبانی نظری پژوهش‌های کیفی، همزمان با انجام مصاحبه‌ها، تحلیل و کدگذاری آن‌ها نیز انجام گرفت، به گونه‌ای که تحلیل هر مصاحبه به همراه یافته‌های قبلی به عنوان راهنمای گردآوری داده‌ها و نیز معیاری برای داده‌های بعدی قرار گرفت. انجام مصاحبه‌های کیفی با مدیران عالی‌رتبه ورزش کشور تا حد رسیدن به اشباع نظری<sup>۱</sup> ادامه یافت.

### یافته‌های پژوهش

در توصیف تحلیلی نمونه پژوهش، تعداد هشت نفر از اساتید نخبه دانشگاه در رشته‌های مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مدیریت استراتژیک و دو نفر از مدیران عالی ورزشی کشور در سطح وزیر و معاون وزیر سابق در دولت یازدهم، دو نفر از سفیران و مدیران سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بودند. در جدول زیر به تفکیک و توصیف نمونه پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۳- وضعیت دیپلماسی ورزشی ایالات متحده آمریکا

Table 3 – Situation of USA Sports Diplomacy

اقدامات انجام شده برای تقویت دیپلماسی ورزشی	اولویت‌های دیپلماسی ورزشی	نهادهای حمایتی فعال در حوزه دیپلماسی ورزشی
۱. پروژه سفیران ورزشی. ۲. اعطای کمک هزینه‌های ورزشی ۳. پروژه بازدیدهای ورزشی. ۴. پروژه توانمندسازی زنان و دختران از طریق ورزش و رویدادهای ورزشی. ۵. همکاری با رسانه‌ها جهت ارتقای دیپلماسی ورزشی. ۶. برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با دیپلماسی ورزشی. ۷. برگزاری کارگاه‌ها ملاقات‌ها و تبادلات علمی سیاسی - ورزشی. ۸. تربیت نیروی انسانی متخصص در وزارت خارجه با همکاری کمیته ملی المپیک.	۱. برقراری روابط متقابل با کشورهای هدف ۲. افزایش قدرت نرم آمریکا در جهان. ۳. گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهایی که با آنها مشکلات سیاسی دارند. ۴. ارتقای دیپلماسی عمومی و فرهنگی آمریکا ۵. افزایش نفوذ سیاسی در بین کشورها ۶. ترویج همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - ورزشی با دیگر کشورها ۷. تسهیل مذاکرات با اهداف سیاسی	۱. دفتر مشاوره وزارت امور خارجه ۲. دفتر امور بین‌الملل وزارت امور خارجه ۳. آژانس توسعه روابط بین‌المللی ایالات متحده آمریکا ۴. اداره امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه ۵. کمیته ملی المپیک آمریکا (United States Olympic Committee)

جدول ۴- وضعیت دیپلماسی ورزشی آلمان

Table 4 – Situation of Germany Sports Diplomacy

اقدامات انجام شده برای تقویت دیپلماسی ورزشی	اولویت‌های دیپلماسی ورزشی	نهادهای حمایتی فعال در حوزه دیپلماسی ورزشی
۱. ارتباط منظم با رسانه‌های گروهی و انعکاس اخبار داخلی به چند زبان زنده دنیا (انگلیسی، فرانسوی و...) ۲. برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی دیپلماتیک برای دیپلمات‌های داخلی و خارجی با حمایت کمیته ملی المپیک ۳. حمایت از رویدادهای ورزشی با محوریت ارتباطات بین‌فرهنگی ۴. حمایت مالی از نهادهای فعال در عرصه دیپلماسی ورزشی ۵. استفاده از مشاوران و چهره‌های ورزشی در تعدادی از سفارتخانه‌های این کشور	۱. ایجاد تصویر مثبت در بین افکار عمومی جهان (بعد از جنایات نازی در جنگ جهانی) ۲. ارتقای جایگاه زبان و فرهنگ آلمانی ۳. برقراری روابط آکادمیک با سایر کشورها ۴. حل چالش‌های بین‌المللی ۵. افزایش نفوذ در بین کشورها با هدف جذب سرمایه‌گذاران ۶. افزایش اعتبار سیاسی، امنیتی، فرهنگی و...	۱. وزارت امور خارجه آلمان ۲. مؤسسه روابط خارجی آلمان ۳. مؤسسه فرهنگی گوته ۴. دانشگاه ورزش کلن (DSHS) ۵. کمیته ملی المپیک آلمان (Deutscher Olympischer Sportbund)

جدول ۵- وضعیت دیپلماسی ورزشی فرانسه

Table 5 – Situation of French Sports Diplomacy

اقدامات انجام شده برای تقویت دیپلماسی ورزشی	اولویت‌های دیپلماسی ورزشی	نهادهای حمایتی فعال در حوزه دیپلماسی ورزشی
۱. ساماندهی فعالیت‌های آموزشی مختلف با محوریت دیپلماسی و ورزش در قالب کارگاه‌ها، نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها و... ۲. پرورش نخبگان ورزشی دیگر کشورها با هدف دستیابی به نفوذ دیپلماتیک	۱. تقویت شهرت و جایگاه فرانسه در سطح جهانی ۲. تنش‌زدایی و بهبود روابط بین‌المللی ۳. افزایش قدرت نرم فرانسه با به‌کارگیری سیاست‌های نوآورانه	۱. وزارت امور خارجه فرانسه ۲. وزارت ورزش فرانسه ۳. آژانس‌های بین‌المللی فرهنگی ۴. کمیته ملی المپیک فرانسه (Comité et Sportif Français)

۳. افزایش هماهنگی و همکاری بین وزارت فرهنگ، وزارت امور خارجه، وزارت ورزش و وزارت آموزش عالی برای افزایش قدرت دیپلماتیک فرهنگی - ورزشی	۴. تثبیت جایگاه فرانسه در جامعه بین‌المللی خصوصاً در بین کشورهای ابرقدرت	(national Olympique)
۴. حمایت از سازمان‌های محلی برای اجرای اصول دیپلماسی ورزشی با تکیه بر منابع غنی علمی کشور فرانسه	۵. نوسازی دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی پاریس (در ذیل آن دیپلماسی ورزشی) در اتحادیه اروپا و جهان	
۵. تعریف یک مدل استراتژی دیپلماتیک ورزشی در ساختار دیپلماسی عمومی برای توسعه روابط بین‌المللی		

جدول ۶- وضعیت دیپلماسی ورزشی ژاپن

Table 6 – Situation of Japan Sports Diplomacy

اقدامات انجام شده برای تقویت دیپلماسی ورزشی	اولویت‌های دیپلماسی ورزشی	نهادهای حمایتی فعال در حوزه دیپلماسی ورزشی
۱. برگزاری فستیوال بین‌المللی رویدادهای ورزشی با حضور مقامات سیاسی	۱. افزایش قدرت نرم ژاپن در میان کشورهای ابرقدرت جهان	۱. وزارت امور خارجه ژاپن
۲. تقویت منابع انسانی دیپلماتیک ژاپن با هدف نمایش گذاشتن رهبری این کشور در شکل دادن به تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی	۲. گسترش حوزه نفوذ ژاپن در بین کشورهای در حال توسعه	۲. شورای ورزش ژاپن (JSC)
۳. استفاده از ورزش و موفقیت‌های ورزشی سال‌های اخیر و حتی میزبانی المپیک ۲۰۲۰ برای معرفی فرهنگ منظم و تکنولوژی قدرتمند خود به کشورهای هدف	۳. معرفی کشور ژاپن به‌عنوان قطب تکنولوژی در دنیا	۳. انجمن‌های ورزشی ژاپن (مانند جاسا، ساساکاوا و...)
۴. برقراری ارتباط مستقیم بین رویدادهای ورزشی با اولویت‌های سیاست خارجی		۵. کمیته ملی المپیک ژاپن (japanese Olympiccommittee)

جدول ۷- وضعیت دیپلماسی ورزشی انگلستان

Table 7 – Situation of British Sports Diplomacy

اقدامات انجام شده برای تقویت دیپلماسی ورزشی	اولویت‌های دیپلماسی ورزشی	نهادهای حمایتی فعال در حوزه دیپلماسی ورزشی
۱. سرمایه‌گذاری و توانمند کردن سفرا و دیپلمات‌ها به تمام جنبه‌های دیپلماسی از جمله دیپلماسی ورزشی	۱. پرستیژی بخشی و کسب منزلت بین‌المللی	۱. اداره امور خارجه و کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان (نام دیگر: وزارت امور خارجه: FCO)
۲. انتصاب مشاوران ارشد آگاه به حوزه ورزش و سیاست در دفتر کشورهای خارجی و مشترک‌المنافع FCO	۲. عادی‌سازی روابط خود با سایر کشورها به‌ویژه با کشورهای مستعمره	۲. شورای بریتانیا (British Council)
۳. افزایش حضور در سطح بین‌المللی و افزایش برگزاری نشست‌های سیاسی درباره ورزش و رویدادهای ورزشی	۳. معرفی میراث فرهنگی قوی خود از طریق ورزش و رویدادهای ورزشی	۳. کمیته ملی المپیک بریتانیای کبیر (GBR)
۴. ارتقای روابط بین‌المللی سیاسی با استفاده از ورزش (ورزش برای دیپلماسی)	۴. افزایش نفوذ فرهنگی بریتانیا از طریق دیپلماسی با عنوان دیپلماسی خط دوم	
۵. همکاری با دانشگاه‌های معتبر داخلی برای	۵. فروش سهام باشگاه‌های ورزشی (لیگ برتر فوتبال) به مالکان خارجی و جذب سرمایه از این طریق	
	۶. ارتباط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... با سایر کشورها از طریق تبادلات ورزشی	

۷. استفاده از ورزش و دیپلماسی ورزشی برای توسعه علمی و آکادمی دیپلماسی ورزشی اقداماتی با حساسیت سیاسی بالا
---

### جدول ۸- وضعیت دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران

Table 8 – Situation of Islamic Republic of Iran Sports Diplomacy

نهادهای حمایتی فعال در حوزه دیپلماسی ورزشی	اولویت‌های دیپلماسی ورزشی	اقدامات انجام شده برای تقویت دیپلماسی ورزشی
۱. وزارت امور خارجه ج.ا.ایران ۲. وزارت ورزش و جوانان ۳. کمیته ملی المپیک ج.ا.ا. (National Olympic Committee of Islamic Republic of IRAN)	۱. بهبود روابط بین‌المللی با کشورهای جهان اسلام، همسایگان و... ۲. تقویت جایگاه خود در منطقه با تأکید بر سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴	۱. تقویت فرهنگی با دیگر کشورهای فارسی زبان (تاجیکستان و افغانستان) با تاسیس تلویزیون مشترک که تاکنون محقق نیافته است. ۲. استفاده از میزبانی رویدادهای ورزشی برای معرفی فرهنگ غنی زبان فارسی و میراث فرهنگی و باستانی کشور ۳. توسعه روابط فرهنگی از طریق مسابقات ورزشی با مطرح کردن عناوینی چون گفتگوی تمدن‌ها

همان‌گونه یافته‌های تحقیق در جداول سه، چهار، پنج، شش و هفت نشان می‌دهد کشورهای پیشرو در حوزه دیپلماسی ورزشی از سایر نهادهای حکومتی تأثیرگذار برای موفقیت در عرصه بین‌المللی استفاده می‌کنند، همچنین با نگاهی به اولویت‌های این کشورها، مشاهده می‌شود که اهدافی فراتر از مسائل ورزشی (مانند افزایش قدرت نرم) را در حوزه دیپلماسی ورزشی دنبال می‌کنند. همچنین یافته‌های جدول هشت، نشان‌دهنده خلا و ضعف بزرگ استفاده از دیپلماسی ورزشی از طرف سایر نهادها است و در اولویت‌های سیاست خارجی کشورمان، مباحث دیپلماسی ورزشی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های گذشته به دیپلماسی ورزشی به‌منزله ابزاری برای توسعه روابط بین‌الملل و همچنین دستیابی به اهداف دیپلماتیک کشورها توجه شده است. به همین منظور، سیاست‌گذاران این حوزه در پی تدوین چارچوب‌ها و ساختارهایی با هدف توسعه این مفهوم بوده‌اند و کوشیده‌اند کارکردهای مدنظر دیپلماسی ورزشی در زمینه‌های مختلف را با تکیه بر این ساختار و چارچوب محقق کنند. بنابراین تکیه بر ادبیات موجود در زمینه دیپلماسی ورزشی در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو و استفاده از تجربیات موفق آن‌ها برای سایر کشورهای در حال توسعه ضروری به‌نظر می‌رسد. این پژوهش، با هدف مطالعه تطبیقی اقدامات و تجارب دیپلماسی ورزشی در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای

چه برنامه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است. با دانستن این موضوع می‌توان وضعیت ضعف یا قوت دیپلماسی ورزشی و یا نقشی که این دیپلماسی در آن کشور ایفا می‌کند را شناخت. برای مثال آمریکا از طریق دیپلماسی ورزشی، به دنبال افزایش قدرت نرم، گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهایی که با آن‌ها مشکلات سیاسی دارند، تسهیل مذاکرات سیاسی و... آلمان بیشتر به دنبال معرفی خود، افزایش نفوذ در بین کشورها با هدف جذب سرمایه‌گذاران و توسعه اقتصادی؛ فرانسه در پی تنش‌زدایی و بهبود روابط بین‌المللی و تثبیت جایگاه بین‌المللی خود؛ ژاپن گسترش حوزه نفوذ در بین کشورهای در حال توسعه و معرفی خود به‌عنوان قطب تکنولوژی دنیا و انگلستان نیز افزایش نفوذ فرهنگی و معرفی میراث فرهنگی غنی خود، پرستیژی بخشی و کسب منزلت بین‌المللی از طریق عادی‌سازی روابط خود با سایر کشورها به‌ویژه با کشورهای مستعمره را دنبال می‌کنند. حال با توجه به اهداف و اولویت کشورهای منتخب در بهره‌بردن از دیپلماسی ورزشی، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران با اهدافی که در قانون اساسی تعریف شده، احتیاجی به هویت‌سازی ندارد چون آنقدر هویت غنی و تمدن طولانی در اختیار دارد که در این زمینه به مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس کمبودی احساس نمی‌کند و در سیاست خارجی خود نیز به دنبال منافع و مطامع سیاسی نیست، بنابراین به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه باید ایران به لحاظ معرفتی به دنیا معرفی شود. لذا اولویت دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران باید در خدمت معرفی جاذبه‌های متنوع ایران، کسب درآمد اقتصادی از طریق محصولات ورزشی و ارائه خدمات ورزشی، جذب جهانگرد و به‌وجود آوردن بستر مناسب برای گفتگو ملل و اقوام، مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد در مذاکرات سیاسی مخصوصاً در شرایط کنونی کشور و کاهش احتمال درگیری نظامی میان کشورها و کاهش اهمیت مسائل نظامی در اهداف منطقه‌ای و جهانی باشد. این قسمت از نتایج با نتایج فولرتون (۲۰۱۸) که معتقد بودند اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح و متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور انتخاب شود، خروجی‌های آن می‌تواند با اهداف دیپلماتیک مدنظر هر کشور هم‌راستا باشد و نتایج پیگمن و مورای (۲۰۱۴) که به طراحی ارتباط میان ورزش بین‌الملل و دیپلماسی پرداخته بودند و به این نتیجه رسیده بودند که استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک بهترین شیوه مورد پذیرش حکومت‌ها مبنی بر تسهیل و آسان کردن اهداف سیاسی است و نتایج تحقیق بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی

آمریکا دفتر امور بین‌الملل و ادارات آموزشی- فرهنگی وزارت امور خارجه، آژانس توسعه روابط بین‌المللی ایالات متحده؛ در آلمان مؤسسات فرهنگی، دانشگاه‌های ورزش؛ در فرانسه آژانس‌های بین‌المللی فرهنگی توسعه روابط؛ در ژاپن شورای ورزش و انجمن‌های ورزشی این کشور؛ در انگلیس شورای بریتانیا به غیر از وزارت امور خارجه و کمیته ملی المپیک که متولیان اصلی ورزش و سیاست کشورها هستند (برخی از کشورها وزارتخانه ورزش ندارند)، فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه دیپلماسی ورزشی انجام دادند. اما در جمهوری اسلامی ایران با وجود دفتر روابط بین‌الملل در وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک بحث دیپلماسی ورزشی حالت منفعلانه به خود گرفته است که این قسمت از نتایج با نتایج تحقیق بخشی‌چناری (۱۳۹۷) که به نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته بود و نتایج راسخ و جوادی‌پور (۱۳۹۶) که پیشنهادت و اقداماتی را در تحقق اهداف دیپلماسی ورزشی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران عنوان کرده بودند و همچنین نتایج ذوالفقارزاده و همکاران (۱۳۹۴) که در پژوهش خود به تجربه دیپلماسی علم و فناوری در دنیا پرداخته بودند، همخوانی داشت. در تفسیر این قسمت از نتایج می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با توجه قدرت نرم خود در منطقه و جهان، از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه زیادی در جذب و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی دارد. با این حال هر چند گام‌هایی در این مسیر برداشته شده است، ولی هنوز برنامه منسجمی در قالب دیپلماسی ورزشی تکوین نشده است. از این‌رو ضرورت دارد تا با در نظر گرفتن توانایی‌های کشورمان، استراتژی مدونی با کمک سایر نهادهای ذی‌ربط برای دیپلماسی ورزشی ارائه شود. این استراتژی باید شامل بهره‌گیری از کلیه منابع قدرت نرم و طرح و شیوه‌های مشخصی برای برقراری ارتباط با مخاطبان خارجی باشد. همچنین الزامات دیپلماسی ورزشی باید به این مسیر منتهی شود تا نهادی در قالب دستگاه دیپلماسی (با توجه به ماهیت وزارت امور خارجه در ارتباط گسترده با سایر کشورها)، عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی ورزشی باشد و سایر نهادها نقش مکمل و حمایتی را برای این نهاد بازی کنند تا هم دیپلماسی ورزشی از حالت انفعال سیاسی خارج شود و هم از دوباره‌کاری‌ها و موازی‌کاری‌ها جلوگیری شود. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که کشورهای منتخب در حوزه دیپلماسی ورزشی استراتژی هدفمند و اولویت‌های مشخصی در دیپلماسی ورزشی خود تعریف و مشخص کرده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده در این قسمت، ذکر این نکته ضروری است که در واقع باید ابتدا مشخص شود که یک کشور از دیپلماسی ورزشی چه اهدافی را دنبال می‌کند و



در تفسیر نتایج نهایی تحقیق می‌توان گفت که امروزه بسیاری از پژوهشگران ژرف‌اندیش در حوزه روابط بین‌الملل دریافته‌اند که تنها با تکیه بر عوامل سیاسی و اقتصادی محض نمی‌توان به ژرفای روابط بین‌ملتها دست یافت. آنان برای دستیابی به شناختی واقع‌بینانه از روابط بین‌المللی تمرکز بر مسائل فرهنگی و توجه خاص به حیطه ورزش و رویدادهای ورزشی را به‌عنوان یک پدیده فرهنگی تجویز می‌کنند. بنابراین شناخت دقیق مفهوم دیپلماسی ورزشی از طریق تولید مبانی نظری در این حوزه و کاربرد ویژه آن در پیشبرد سیاست خارجی کشورها می‌تواند عاملی مؤثر در فعالیت موفقیت‌آمیز سیاست خارجی کشورها باشد. در نهایت با توجه به نتایج این پژوهش و با نگاهی به عملکرد موفقیت‌آمیز کشورهای منتخب پیشنهاد می‌شود، تا شورای سیاست‌گذاری دیپلماسی ورزشی با حضور وزیر امور خارجه، وزیر ورزش و جوانان، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و دیگر مسئولین تشکیل شود تا در آن جایگاه دیپلماسی ورزشی کشور در برنامه‌های دولت تعیین و دستگاه متولی برای این امر تعیین و استراتژی‌های مربوط تدوین گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود، وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت امور خارجه و مشارکت گسترده بخش خصوصی، در راستای دیپلماسی چندجانبه به برگزاری تورنمنت‌های چندجانبه با محوریت‌های مختلفی همچون؛ مسابقات خیریه، مسابقات به بهانه مناسبات بین‌المللی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...) با اهدا تندیس‌ها و یادبودهایی از طرف این دو وزارتخانه متولی اقدام نماید. و بالاخره اینکه دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه با همکاری متقابل دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، علوم سیاسی، مدیریت، مطالعات جهان و زبان‌های خارجه در راستای تدوین دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت و تولید مبانی نظری در دانشگاه‌ها در زمینه جایگاه‌شناسی، مفهوم‌شناسی و گسترش دیپلماسی ورزشی گام بردارند.

ایران و همچنین نتایج پیمان‌فر (۱۳۹۵) که افزایش برند ملی، تقویت و همبستگی هویت ملی، شکل‌دهی مثبت به افکار عمومی و... را از مهم‌ترین راهبردها و راهکارهای توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی می‌دانستند، همخوانی داشت. نتایج نهایی پژوهش نشان داد که کشورهای منتخب با توجه به اولویت‌های تعریف شده در ساختار سیاسی خود در حوزه دیپلماسی ورزشی خود اقدامات موفق و قابل توجهی نیز انجام دادند. به عنوان مثال کشور آمریکا با ایجاد پروژه سفیران ورزشی، پروژه بازدیدهای ورزشی و پروژه توانمندسازی زنان و دختران؛ آلمان با برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی دیپلماتیک و استفاده از چهره‌های ورزشی در سفارتخانه‌ها؛ فرانسه با پرورش نخبگان ورزشی با اهداف دیپلماتیک، همکاری بین وزارت فرهنگ، وزارت امور خارجه، وزارت ورزش و وزارت آموزش عالی برای افزایش قدرت دیپلماتیک فرهنگی - ورزشی؛ ژاپن با برگزاری فستیوال بین‌المللی رویدادهای ورزشی با حضور مقامات سیاسی و برقراری ارتباط بین رویدادهای ورزشی با اولویت‌های سیاست خارجی و انگلستان نیز با انتصاب مشاوران ارشد آگاه به حوزه دیپلماسی ورزشی و همکاری با دانشگاه‌های معتبر داخلی برای توسعه آکادمی این دیپلماسی اقدامات موفق را انجام داده‌اند. اما در جمهوری اسلامی ایران ضعف بزرگی در این حوزه احساس می‌شود که نیازمند توجه و ترغیب بیشتر مقامات سیاسی به این دیپلماسی ارزشمند است. این قسمت از نتایج نیز با بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران و شریعتی فیض‌آبادی و ناظمی (۱۳۹۶) با عنوان طراحی مفاهیم فرهنگ صلح‌ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل به این نتیجه رسیدند که کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از ورزش به‌عنوان اهرم و ابزاری برای بیان خواسته‌های خود از جامعه جهانی استفاده کرده‌اند و همچنین نتایج پژوهش کویبرسکی (۲۰۱۷) تحت عنوان دیپلماسی ورزشی کشور نروژ و همچنین نتایج ریچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) که به بررسی موفقیت‌های ورزشی به عنوان ابزار سیاست خارجی و داخلی (مورد مطالعه: قطر) پرداخته بود همخوانی داشت.

## References

1. Ahanijan, S. (2013). The Impact of Suppressive Behaviors on the Development and Effectiveness of Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran, dissertation Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 14. (Persian).
2. Bakhshi Chenari, A.R. (2018). The Role of Sport Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. Ph.D thesis University of Tehran. 133. (Persian)
3. Bakhshi Chenari, A.R., Goodarzi, M., Sajjadi, S.N., & Jalali Farahani, M. (2019). Providing strategies for empowerment and promotion of diplomacy in foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Journal of Communication Management in Sports Media*, 23(6), 80-90. (Persian)
4. Bakhshi Chenari, A. R., Goodarzi, M., Sajjadi, S.N., & Jalali Farahani, M. (2019). Identify and Prioritize the Effective Factors of Sport Diplomacy Development in Islamic Republic of Iran's Foreign Policy. *Journal of Sport Management and Development*. DOI: 10.22124/jsmd.2019.12744.1983. (Persian)
5. Feizabadi, M. S., Khabiri, M., & Hamidi, M. (2013). The Relationship between the Success of Countries at the Guangzhou 2010 Summer Asian Games and Demo-economic Factors. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 8(2), 369-374.
6. Fullerton, J., Abdi, K., Talebpour, M., Ranjshesh, M., & Nooghabi, H. (2018). Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: introducing a sport diplomacy model. *International area studies review*, 21(4), 365-381.
7. Ghorbani, N (2013). The Challenges of Iranian Public Diplomacy in the Persian Gulf Region (Case Study: Bahrain and Iraq). Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. P 34. (Persian)
8. Grix, J., & Houlihan, B. (2014). Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK 2012. *The British Journal of Politics & International Relations*, 16(4), 572-596.
9. Kobireski, M.M. (2017). Sport diplomacy of Norway. *International studies.interdisciplinary & cultural journal*, 20(1), 131-146.
10. Lanzac, A., & Blain, C. (2011). *Weapons of Mass Diplomacy*. London New York: SelfMadeHero Abrams, 16(3), 113-129.
11. Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*, 17(9), 1098-1118.
12. Pamment, J. (2014). The 2012 Olympics and Its Legacies: State, Citizen, and Corporate Mobilizations of the Olympic Spirit. *International Journal of Communication*, 8 (19). 2578- 2596.
13. Peymanfar, M. H. (2016). Developing a strategic model for the development of sport diplomacy in the Islamic Republic of Iran. Ph.D thesis. Kharazmi University. Faculty of Physical Education and Sport Sciences. (Persian)
14. Rasekh, N., & Javadipour, M. (2017). The role of sport and the development of sport diplomacy in advancing socio - cultural policies and foreign relations of the Islamic Republic of Iran. *Sports Management Journal*, 9(4), 599-804. (Persian)
15. Reiche, D. (2014). Investing in sporting success as a domestic and foreign policy tool: the case of study of Qatar. *Internatinal journal of sport policy and politics*, 7(4), 489-504.
16. Roeder Jr, L. W., & Simard, A. (2013). *Information and Knowledge Management*. In *Diplomacy and Negotiation for Humanitarian NGOs*. Springer New York, 17(9), 99-136.
17. Shariati Feizabadi, M., & Nazemi, M. (2017). Designing the Concepts of the

Peaceful Culture Culture in the Development of International Relations (Case Study of the Presidential Perspective on The World Without Violence and Extremism). *Journal of Social Cultural Strategy*, 24(6), 163-188. (Persian)

18. Zolfaghar zadeh, M.M., Hajari, M., & Hamidi, M (2015). Experience in the world of science and technology diplomacy; exploring the institutions, priorities and actions of a select few countries. *Journal of Science and Technology*. 5(1), 63-83. (Persian)

